

مجله

سال پانزدهم / شماره ۷۱ / تیرماه ۱۴۰۳

فَضْلُ اللَّهِ  
مِنْ هَذَا مَوْلَاهُ  
عَلَيْكُمْ  
مِنْ هَذَا مَوْلَاهُ



اگر آن روز اُمَّتِ اسلامی، نصب پیغمبر را درست و با معنای حقیقیِ خودش درک می‌کرد و تحویل می‌گرفت و دنبال علی بن ابی طالب (علیه السلام) راه می‌افتاد و این تربیت نبوی؛ استمرار پیدا می‌کرد و بعد از امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم انسان‌های معصوم و بدون خطا، نسل‌های بشری را مثل خود پیغمبر، پی‌درپی زیر تربیت الهی خویش قرار می‌دادند، بشریت بسیار زود به آن نقطه‌ای می‌رسید که هنوز به آن نقطه نرسیده است. علم و فکر بشری پیشرفت می‌کرد؛ درجات روحی انسان‌ها بالا می‌رفت؛ صلح و صفا در بین انسان‌ها برقرار می‌شد و ظلم و جور و ناامنی و تبعیض و بی‌عدالتی از بین مردم رخت برمی‌پست.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالروز عید سعید غدیر خم، ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۷۹



ماهنامه **منهج** / تیر ۱۴۰۳ / شماره ۷۱

صاحب امتیاز: بنیاد و مؤسسه فرهنگی  
حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس  
مدیرمسئول: استاد حاج شیخ علیرضا حدائق  
سر دبیر: حجت الاسلام محمدحسین حدائق  
هیأت تحریریه: خانم نادری و آقای غیبی

شیراز، کوی زهرا علیها السلام، نبش کوچه ۸، روبروی  
دبستان شهیدان اتحادی، بنیاد و مؤسسه  
فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس



بنیاد حضرت مهدی موعود



مؤسسه فرهنگی و اجتماعی حضرت مهدی موعود

از علاقه مندان به مطالب مهدوی دعوت به  
عمل می آید جهت استفاده از مطالب متنوع  
مهدوی به سایت [www.bonyademahdi.com](http://www.bonyademahdi.com)  
مراجعه نمائید.

شماره تماس: ۰۷۱-۳۷۲۵۵۸۵۱

## فهرست مطالب

- سخن سردبیر ۴
- در محضر شهید ۶
- دقایقی پای خاطرات استاد ۱۲
- عصر ظهور اوج شکوفایی ۱۵
- وارث غدیر ۱۸
- رسانه ۲۰
- تفکر در چگونگی یاری
- امام عصر علیه السلام ۲۵
- وجدان های بیدار ۲۹
- کوتاه امام شنیدنی ۳۵
- باستان گرایی ۳۸
- احساس عجیب (داستان) ۴۱
- گزارش تصویری ۴۶

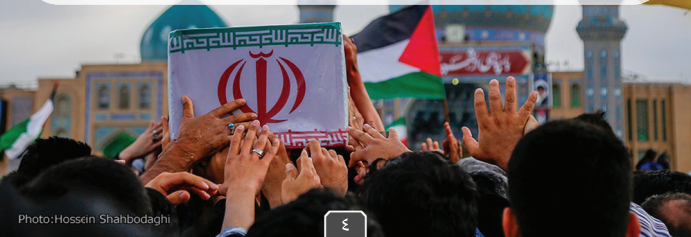
## سخن سردیبر

انسان منتظر، کسی است که بنده و مطیع واقعی بوده و در تمام شئون زندگی، از امام خود تبعیت کند؛ رسیدن به مقام اطاعت و بندگی، امری سهل الوصول نیست.

یکی از مسائلی که به ویژه در ایام محرم و سوگواری امام حسین (علیه السلام) با آن مواجه می شویم این مسئله است که بعضی از عزاداران ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) را می بینیم که می گویند: اگر در کربلا بودیم، در سپاه امام حسین (علیه السلام) شمشیر می زدیم. اینجاست که باید سؤال کرد: از کجا معلوم که اگر در کربلا بودید در سپاه یزیدیان نبودید!؟

اگر بخواهیم بدانیم؛ آیا اگر در کربلا بودیم، با امام حسین (علیه السلام) بودیم یا با یزید، باید شرایط الآن خود و میزان اطاعت از امام زمانمان را بسنجیم. به هر میزان که در حال حاضر، مطیع امام عصر (عجل الله فرجه) هستیم، اگر در کربلا بودیم با امام حسین (علیه السلام) بودیم.

مُطیع واقعی امام زمان (عجل الله فرجه) کسی است که تمامی حرکات و سکناتش، نشست و برخاستش، گفتار و سکوتش، نگاه و چشم فروبستنش، همه و همه، بوی اطاعت از امام عصر (عجل الله فرجه) را بدهد. باید بدانیم، تا زمانی که اطاعت و پیروی نباشد،



انتظار به معنای حقیقی، رقم نخواهد خورد.

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَى وِلَايَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٌ؛ کسی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما استوار باشد، خداوند پاداش هزار شهید از شهدای جنگ بدر و اُحد را به او خواهد داد.»

کسی که در پیروی و اطاعت از امامت و ولایت، ثابت قدم باشد، اجر و ثوابی نصیبش می شود که اندک افرادی به این اجر و پاداش دست می یابند و آن این که، خداوند ثواب هزار شهید به او می دهد و آن هم، نه هر شهیدی؛ بلکه شهدای بدر و اُحد که شهدای در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله بودند. شهدایی که برای حفاظت و حراست از جان پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر زدند و به درجه ی رفیع شهادت نائل شدند.

البته این روایت، جوابی دندان شکن برای کسانی است که ادعا می کنند امروز باب و طریق شهادت بسته است و ما از این فیض محروم هستیم. در پاسخ به این افراد باید گفت: باب شهادت بسته نیست بلکه باز است و آن هم نه هر نوع شهادتی، بلکه شهادت بَیْنَ يَدَي رَسولِ اللَّهِ آن هم با منتظر واقعی بودن. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید: «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَي الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنْ الْكِبْرِيَةِ الْأَحْمَرِ»؛<sup>۱</sup> و قسم به خدایی که مرا بشیر و نذیر مبعوث فرمود کسانی که در دوران غیبتش بر اعتقاد به او ثابت باشند از کبریت احمر کمیاب ترند.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵-کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۲

۲- معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۵

## فرمانده اطلاعات

پدرم بعد از بازگشت از عراق، با اصرار زیاد از دوستانش می‌خواهد که همراه آن‌ها به سوریه اعزام شود. خلاصه به هر شکل و سختی بود پدر به سوریه اعزام شد. بعد از سه، چهار روز که بسیار نگران شده بودیم تماس گرفت و خیال همه را راحت کرد. در آن تماس تلفنی از پدر پرسیدم کجایی؟ جواب داد: دمشق هستم، دمشق... صدایش خیلی واضح نبود. اما بسیار خوشحال بودم که صدای دلنشین پدر را می‌شنیدم. پدر به ما گفته بود در جبهه مقاومت کارهای پشتیبانی انجام می‌دهد اما

خوب می‌دانستم پدر کسی نیست که امور پشتیبانی جبهه را به او بسپارند. مدتی که سوریه بود خیلی عکس، تصویر و فیلم برایم ارسال می‌کرد. در یکی از فیلم‌ها و تصاویر که در شهر شیخ مسکین بود، متوجه شدم با دشمن فاصله چندانی ندارد. آن زمان که پدر تازه به



# در محضر شهید

سوریه رفته بود یکی از دوستانش از سوریه برگشت و گفت: پدرت فرمانده اطلاعات و عملیات قرارگاه زینب علیها السلام است. با خودم گفتم: عجب مسئولیت سنگین، مهم و خطرناکی به عهده پدر گذاشته‌اند. پدر شجاعتی خاص داشت. شجاعتی که ایشان را تا چند قدمی دشمن می‌کشاند!

## نذر

خاطرم هست مصطفی سه سال داشت و آن روز طبق روال هر سال در خانه مادرم برای ظهر تاسوعا روزه بود. در مجلس روزه نشسته بودیم که یک دفعه خانمی در را باز کرد و هراسان گفت: موتوری به بچه تان زد و او را کشت. حالم بد شد طوری که نشستم و نتوانستم تا دم درب بروم. ناگهان چشمم به کتیبه «یا ابوالفضل العباس» خورد گفتم: یا ابوالفضل، مصطفی را نگه دار، او را سربازت می‌کنم. این اتفاق دقیقاً یک ربع قبل از ظهر تاسوعا افتاد. این نذر چیزی بود بین خودم و خدای خودم، حتی به پدرش هم نگفتم. مصطفی خوب شد. برای سلامتی او هر سال روز تاسوعا در روزه‌ی خانه مادرم، شیر پخش می‌کردم. این ماجرا گذشت تا مصطفی ۱۷ ساله شد روزی پیشم آمد و گفت: مامان یک هیئت بنا کردم. خیلی خوشحال شدم، از او اسم هیئت را پرسیدم. گفت: «ابوالفضل العباس». اشک در چشمانم حلقه بست، آن موقع، ماجرای نذر را برایش تعریف کردم.

زمان صدام، وقتی روز عاشورا بمب گذاری کردند، مصطفی هم کربلا بود. پیش خودم گفتم: حتماً شهید شده، چون مدت طولانی هم زمان برد، تا از او خبردار شدیم. همان جا پیش خودم گفتم: حضرت عباس علیه السلام، من واقعاً دوست داشتم پسرم سربازت شود. حالا درست است اگر در این بمب گذاری

شهید شده باشد، اجر بالایی دارد، اما من دوست داشتم سربازت باشد. تا این که مطلع شدم سالم است. من این نذر را با تمام وجودم کرده بودم و خوشحالم از این که حضرت زینب علیها السلام پسرم را به عنوان سرباز برادرش پذیرفت، از ایشان تشکر می‌کنم.<sup>۲</sup>

### پرچم

شب سوم مُحرم، تازه از عملیات برگشته بودیم. محمد حسین اصرار می‌کرد که به حرم برویم، بیشتر بچه‌ها از فرط خستگی، توان نداشتند بیایند. فقط من اعلام کردم که حاضرم همراهش به حرم بیایم. راه افتادیم. وقتی به حرم رسیدیم، برق رفته بود. اجازه ورود به حرم را نمی‌دادند. محمدحسین اصرار کرد تا قبول کردند که فقط داخل حیاط برویم. وقتی وارد حیاط شدیم، دیدیم با اینکه ۳ روز از محرم گذشته هنوز حرم سیاهپوش نیست و پرچم عزا هم روی گنبد نصب نشده است. دوباره رفت کلی التماس کرد تا اجازه بدهند که او پرچم بر فراز گنبدرا تعویض کند. با اصرار محمدحسین، خادم حرم، مجبور شد قبول کند. وقتی محمدحسین بالای گنبد رفت، اول احترام نظامی گذاشت و بعد هم پرچم را تعویض کرد. فردا صبح یعنی چند ساعت پس از این حادثه، از ناحیه پهلو و بازو مجروح شد که منجر به شهادت ایشان گردید.<sup>۳</sup>

# محرم شهر



## خمسه ش را کنار گذاشت

به حلال و حرام خدا خیلی اهمیت می‌داد. در استفاده از اموال بیت المال به شدت مراقبت داشت. اهل امر به معروف و نهی از منکر بود. روزی که جنازه اش را به خانه آوردند و به داخل اتاقش بردند، دوستان جوانش دور جنازه جمع شده بودند، گریه می‌کردند و می‌گفتند: دیگر رسول نیست به ما بگوید غیبت نکن، تهمت نزن! حتی یادم هست آخرین باری که خواست به ما سوره برود، آمد ۱۰۰ هزار تومان به من داد. گفت: بابا این خمس من است، برایم رد کن، من دیگر فرصت نمی‌کنم. در مراقبت چشم از حرام، در رعایت حق الناس، به ریزترین مسائل توجه داشت. شب‌های جمعه به بهشت زهرا می‌رفت و پس از نماز جماعت مغرب و زیارت مزار شهدا، می‌رفت آن قبرهای شهدای گمنام را که رنگ نوشته‌هایش رفته بود، با قلم بازنویسی می‌کرد. قلم‌هایش را هنوز نگه داشتیم. بعد از آن به زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام می‌رفت و در مراسم احیای حاج منصور ارضی، شرکت می‌کرد و تا صبح آن جا بود. این برنامه ثابت شب‌های جمعه‌اش بود. صبح به خانه می‌آمد، استراحت مختصری می‌کرد و دوباره بلند می‌شد و بیرون می‌رفت. هیچ وقت بیکار نبود. وقتی که شهید شده بود، سر مزارش مداح می‌گفت: تا حالا درست استراحت نکردی، الآن وقت استراحت است! شب و روز در تلاش و کوشش بود، برای اینکه پایه‌های ایمان و تقوایش را محکم کند.<sup>۴</sup>

## روز شماری برای محرم

از ۲-۳ ماه مانده به محرم، برای نوکری ابا عبدالله الحسین علیه السلام روزشماری می‌کرد. با شوق خاصی برنامه ریزی می‌کرد. هر سال در میدان امام زاده

علی اکبر، جایی که اکنون مزار مطهرش در آنجاست، چایخانه راه اندازی می کرد، خرید ملزومات و وسائل چایخانه را از بهترین ها با وسواس و سلیقه خاصی خریداری می کرد. معتقد بود برای اهل بیت علیهم السلام نباید کم گذاشت، تا زمانی که، آن ها دستت را با بزرگواری می گیرند، تو هم شرمنده نباشی که چرا می توانستی و بیشتر انجام ندادی. خادم امام زاده و هیئت بود ولی همیشه جلوی در هیئت می ایستاد، معتقد بود درباری این خاندان بهتر است و خاکی بودن برای ائمه علیهم السلام لطف بیشتری دارد. می گفت هر چه خودت را کوچکتر کنی امام حسین علیه السلام بیشتر نگاهت می کند. <sup>۵</sup>

## محل دفن

مراسم هیئت که تمام شد به سمت حیاط امامزاده رفتیم. شور و اشتیاق عجیبی داشت و تأکید می کرد که به حرفش گوش بدهم. با انگشت اشاره کرد و گفت: وقتی شهید شدم مرا آن جا دفن کنید. من که باورم نمی شد، حرفش را جدی نگرفتم، نمی دانستم که آن لحظه شنونده وصیت پسرم هستم و روزی شاهد تدفین او در آن حیاط می شوم.

حدود ساعات دو تا سه نصف شب، خواب عجیبی دیدم. خانه مان نورانی شده بود و من به دنبال منبع نور بودم، دیدم پنجره آشپزخانه تبدیل به در شد و شهدا یکی یکی وارد خانه ما شدند، همه جا را پر کردند و با لباس نظامی و سربند روی سرشان، دست در گردن یکدیگر، به هم لبخند می زدند، مات، نگاهشان کردم و متوجه شدم منبع نور از دو قاب عکس برادران شهیدم هست، آن شب برادر شهیدم محمدعلی به خوابم آمد و در حالتی روحانی سه بار به من گفت که نگران نباش، محمدرضا پیش ماست. آن شب تا صبح

اشک ریختم و دعا خواندم. بعدها گفتند: همان ساعت سه هواپیمای حامل پیکر محمدرضا و بقیه شهدا روی زمین نشست.<sup>۶</sup>

## ////// امضای کفن ///////////////

آیت‌الله نوری همدانی از مراجع عظام تقلید گفتند: حاج قاسم سلیمانی مکرر در دفتر ما رفت و آمد داشتند. در آخرین دیدار بعد از ملاقات رسمی گفتند: همه بیرون بروند من با شما کاری خصوصی دارم، بنده و ایشان در اتاق ماندیم. حاج قاسم از کیف، کفنش را آورد و به بنده گفت: کفن من را امضاء کنید و نام خود را بنویسید و ما هم امضاء کردیم. بعد هم گفت: می‌خواهم به‌عنوان خداحافظی چند رکعت نماز پشت سر شما بخوانم. بعد از دیدار، بنده از ایمان و بصیرت ایشان منقلب شدم و عشق و علاقه به جهاد و شهادت داشت، در زمان خداحافظی سردار سلیمانی را در آغوش گرفتم و آیه «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» را قرائت کردم و با چشمان اشک بار، خداحافظی کردم.<sup>۷</sup>

۴- کتاب: رفیق مثل رسول، اثر: شهلا پناهی، راوی: پدر شهید، با کمی دخل و تصرف  
۵- کتاب: هیچ چیز مثل همیشه نیست: بر اساس زندگی شهید امیر سیاوشی اثر: الهه آخرتی با کمی دخل و تصرف  
۶- کتاب: ابو وصال: خاطرات شهید محمدرضا دهقان امیری به قلم: محدثه علیجان زاده روشن، با کمی دخل و تصرف  
۷- خاطره آیت‌الله نوری همدانی از آخرین دیدار با سردار سلیمانی

۱- کتاب: شکارچی: خاطرات و زندگی‌نامه شهید مصطفی رشیدپور، اثر: فرانک صف‌آرا با کمی دخل و تصرف  
۲- کتاب: سید ابراهیم: یک بغل گل سرخ شهید مصطفی صدرزاده به روایت مادر و همسر، اثر: مهدی گودرزی با کمی دخل و تصرف  
۳- کتاب: می‌خواهم نگاهت کنم، شهید محمد حسین مرادی، اثر: مریم‌سادات ذکریایی با کمی دخل و تصرف

## در انتظار میهمان

عملیات والفجر بود که برای دیدن رزمندگان به جبهه رفته بودم. صحبت از گردان شهادت شد. گفتند: برای شکستن خط، ۲۵۰ نفر داوطلب شهادت لازم داریم، انبوهی از جمعیت هجوم آورده و بر سر انتخاب افراد، دعوا شد تا اینکه با قرعه ۲۵۰ نفر را انتخاب کردند. شب قبل از آن، یکی از رزمندگان در عالم خواب می بیند که امام حسین علیه السلام حرم را جارو می کنند. می گوید: دویدم جارو را از آن حضرت بگیرم. حضرت فرمودند: نه، یاران باوفای من دارند می آیند، می خواهیم خودم حرم را، برای زائرانم جارو کنم.

## ابتکار

از علامه محمدتقی جعفری رحمته الله پرسیدم: چطور شما از بین این همه کتاب مثل قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، شرح بر مثنوی را نوشتید. ایشان فرمودند: من فکر کردم چکار کنم که مطالب و معارف اسلامی به

خاطرات  
استاد



دقایقه  
پای

سایر کشورها هم صادر و به گوش دیگران برسد. دیدم یکی از مهم ترین آثار ادبی که در دنیا و مجالس و محافل و کتابخانه ها جای خود را باز کرده، کتاب مثنوی مولوی است که دارای معارف زیادی نیز هست. گفتم: من اگر بر این کتاب شرح بنویسم و با استفاده از قرآن و روایات، معارف اسلام را بیان کنم، این شرح در تمام دنیا کنار آن متن قرار خواهد گرفت. چون درکنار هر کتاب مرجعی، شرح آن نیز لازم است و هر کس به شرح مراجعه کند، به آن مطالب هم برخورد خواهد کرد. بعدایشان فرمودند: البته الآن تصمیم گرفتم شرحی هم بر نهج البلاغه بنویسم و دیدیم که این کار را هم کردند و در مجلدات زیادی شرح بر نهج البلاغه نوشتند.

## درس اخلاق

پس از اینکه شهید رجائی با رأی ملت به ریاست جمهوری انتخاب شد، خدمت حضرت امام علیه السلام رسید. امام به ایشان فرمود: شما رئیس جمهور ایران شدی، ولی باید بدانی که ایران گوشه ای از آسیاست، آسیا گوشه ای از زمین، کره زمین گوشه ای از منظومه شمسی، منظومه شمسی گوشه ای از کهکشان و کهکشان گوشه ای از ...  
یعنی ریاست تو را فریب ندهد و مغرور نکند.

## وارستگی

یکی از روحانیون می گفت: پشت سر مرحوم حاج شیخ عباس قمی علیه السلام در مسجد گوهرشاد نماز می خواندم، نماز اول را که خواند از مسجد بیرون

رفت و هرچه نشستم نیامد. پس از مدتی از ایشان پرسیدم: آقا! چرا آن روز شما یک نماز را اقامه کردید و رفتید؟  
فرمود: در نماز اول چون جمعیت زیاد بود وقتی به رکوع رفتم یک نفر از عقب جمعیت گفت: یاالله ... چنان یاالله گفت که من به ذهنم خطور کرد جمعیت بسیاری پشت سرم ایستاده، دیدم غرور مرا گرفت. با خود گفتم: آدمی که غرور دارد به درد پیش نمازی نمی خورد و پس از پایان نماز، مسجد را ترك کردم.

## مظلومیت

در زمان ستمشاهی رضاخان، روضه خوانی ممنوع بود، پدران ما از مجالس روضه خوانی مخفی و محرمانه، خاطرات جالبی تعریف می کردند. یکی از بزرگان می گفت: در قم زیرزمین های خانه ها را به هم متصل کرده بودند و مخفیانه در ساعتی خاص جمع می شدند و روضه می خواندند. روزی آیت الله خوانساری در راهرو یکی از زیرزمین ها آن قدر گریه کرد که غش کرد. ایشان می فرمود: چه قدر امام حسین علیه السلام مظلوم است که ما نمی توانیم حتی علنی برایش اشک بریزیم.

کتاب خاطرات، حجت الاسلام والمسلمین قرائتی، با کمی دخل و تصرف

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»

و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم ولیکن (چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم.

یکی دیگر از آیاتی که در رابطه با امام زمان علیه السلام مطرح می شود آیه ی ۶۹ سوره اعراف است. امام مجتبی علیه السلام در تبیین پیام این آیه و ارتباطش با مهدویت می فرمایند در دوران ظهور امام زمان علیه السلام، حتی حیوانات درنده آزادانه زندگی می کنند؛ یعنی



اوج  
شکوفایی

عصر  
ظهور

بشریت وارد دورانی می‌شود که آسیب و گزندگی به هیچ موجودی نخواهد رسید. زمین گیاهان خود را عرضه می‌کند و آسمان هم برکات خود را نازل می‌نماید. در آن روز دیگر اثری از خشکسالی و عدم نزول رحمت الهی نیست. به تعبیر امام مجتبی علیه السلام همه گنج‌ها و معادن زمین در آن روز آشکار می‌شود و آنگاه انسان در می‌یابد که تا کنون فقط به بخشی از معادن دست یافته است.

طبق بیان امام صادق علیه السلام در روزگار ظهور، تمام علم و دانش که بنا به روایات ۲۷ حرف است و تا قبل از ظهور امام زمان علیه السلام، بشر فقط دو حرف آن را کشف کرده، ظاهر می‌شود<sup>۲</sup>. بشریت با همهی پیشرفت‌های علمی خود در همان دو حرف توقف کرده است. با ظهور امام زمان علیه السلام، دانش یک جهش بیش از سیزده برابری می‌کند؛ یعنی ظرفیتی که امروز از نظر علم و دانش، تکنولوژی و صنعت و علوم طبیعی و مهندسی مشاهده می‌کنید یک جهش بیش از ۱۳ برابری پیدا می‌کند.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل است که می‌فرمایند: وقتی که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کنند خداوند دست با برکت ایشان را بر سر انسان‌ها قرار می‌دهد و عقل‌ها کامل و درون‌ها پاک می‌شود و مردم با یکدیگر خردمندانه برخورد می‌کنند<sup>۳</sup>. کینه و حسادت و حرص و تکبر و رذایل اخلاقی در نهاد انسان‌ها ریشه‌کن می‌شود و مردم به حیات واقعی خواهند رسید. طبیعتاً وقتی که وجود انسان از این رذائل اخلاقی دور شد، درصد تخریب و تضعیف دیگران نیست. با کامل شدن عقل‌ها، نگاه به زندگی خردمندانه می‌شود و در پی آن انسان‌ها دنیا را گذرگاهی می‌بینند که جای توقف نیست. به تعبیر حضرت



عیسی علیه السلام مؤمنان، دنیا را همچون پلی می‌بینند که باید از آن عبور کنند.

«إِنَّمَا الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ فَأَعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا»

همانا دنیا مانند پلی است. از آن عبور کنید و آبادش نکنید.

این حاصل احیاء فکر آدمی است که دنیا را گذرگاه و پلی بداند که باید از آن عبور کرد. اگر این دیدگاه ارزشمند فراگیر شود مردم در نوع بهره‌برداری خود از دنیا تغییر رویه خواهند داد و روابطشان با یکدیگر اصلاح می‌شود. این اصلاح رویه‌ی زندگی، در سایه‌ی تبعیت از ایمان و حفظ تقوا در زمان ظهور اتفاق می‌افتد.

یکی دیگر از نکات قابل تأمل در آیه، توجه به معنی کلمه برکت است. برکت به معنای ثبات و پایداری نعمت است. چیزی که ثبات ندارد را برکت نمی‌گویند. در بین مردم هم برکت به همین معناست؛ لذا مثلاً می‌گویند فلان چیزی که شما به ما دادید برکت داشت؛ یعنی از بین نرفت و پایدار بود. با این توضیح، معنای برکت در آیه این است که اگر ایمان و تقوا را رعایت کردید نعمت پایدار به شما عطا می‌کنیم.

برگرفته از کتاب نسیم انتظار، مجموعه بیانات استاد حاج شیخ علیرضا حدائق

۱- سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۹۶

۲- مختصر البصائر، ص ۳۲۰

۳- دلائل الإمامة، ص ۴۵۷

۴- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۹۲

نخستین جشن ولایت، در مکانی برپا شد که تشنگان بی‌شماری، به دنبال اکسیر معرفت بودند تا از زلال آسمان کوثرش، بهره‌مند شوند و چه مکانی شایسته‌تر از غدیر خم. باز هم مثل همیشه، جناب جبرئیل علیه السلام است که پیام آورده اما این بار پیامی، که پیامبر بزرگ اسلام، سال‌ها انتظارش را می‌کشیدند...

پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهند تا جایگاهی فراهم کنند تا حتی کوتاه‌بین‌ترین انسان‌ها، قامت آسمانی و دل‌انگیز حضرت را ببینند؛ تا آن‌گاه که دست‌نورانی حضرت، امانت ولایت را به دستان با کفایت امامت می‌سپارد، همه شاهد باشند که چگونه در ازدحام انوار سبز الهی، نور ولایت به دل‌های مؤمنین راه می‌گشاید و نام نامی علی علیه السلام را برای همیشه، بر سینه عاشقانش حک می‌کند و جدایی ناپذیری امام از امت را نوید می‌دهد.

دست‌های توانمند علی علیه السلام، بر فراز تمام نگاه‌ها به اهتزاز در می‌آید، صدای محبوب دل‌ها، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سراسر هستی، طنین انداز می‌شود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ؛ هرکس من مولای اویم، علی علیه السلام مولای اوست. آن‌گاه، دست‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به دعا گشوده می‌شود:

## واریش غدیر

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ.... ؛ خدایا! هر کس او را دوست می دارد، دوستش بدار و هر کس او را دشمن می دارد، دشمنش بدار و هر کس وی را یاری می کند، یاری اش کن....  
 هلهله مردم، شادی زمین و آسمان را با هم پیوند می دهد و دست ها از هر سو، به بیعت با ولایت گشوده می شود....

آینده ی تاریخ انسان، به دست های یداللهی علی علیه السلام سپرده می شود تا در سایه سار محبت و عدالت بی دریغش، به آرامش برسد. صدای هلهله می آید؛ اما حُزنی غریب، گلوی لحظات را می فشرد. غدیر، رنج روزهای نیامده علی علیه السلام است؛ ابتدای بیست و پنج سال خانه نشینی ذوالفقار.

غدیر، اولین پژواک از اندوه بی شمار چاه دل تنگی های مرتضی است....  
 اما.. اما اینک وارث غدیر، حجت بن الحسن العسکری علیه السلام در کنار غدیر روزگاران ایستاده چرا که ایشان انتهای تفصیلی صراط مستقیم غدیر و تجلی کامل تعالی بشر هستند. طبق آن چه در آیه اکمال دین آمده: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ....<sup>۱</sup> تنها دینی مورد قبول خداوند است که امامت امام علی علیه السلام تا امام مهدی علیه السلام را در بر گیرد.

و غدیریان، امروز همان منتظرانند که خدمتگزاران مولایشان هستند هر صبح و شام و تلاش می کنند تا زمینه سازان ظهور موفور السرور ایشان باشند و بامدادان هر روز با امامشان، عهد و پیمان تازه می کنند تا لحظه ای از ایشان غافل نباشند و پروانه وار، گرد او امر حضرتش بچرخند و غمی از چهره ایشان بزایند و لبخندی بر لبان مبارکشان بنشانند و نامشان را در جهان بلند آوازه سازند و ظهورشان را با تلاش خود، نزدیک سازند... اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ.

در قسمت قبل به آسیب‌های رسانه‌ای: ترویج خانواده مُدرن بی بند و بار، ترویج خیانت و هم‌چنین ارزش زدایی از مفهوم غیرت پرداختیم. حال در این شماره به آسیبی دیگر اشاره می‌کنیم.

#### ۴- تحریک روحیه تجمل‌گرایی

یکی از چیزهایی که در تبلیغات مستقیم و غیر مستقیم رسانه‌ها مشاهده می‌کنیم، نمایش زندگی‌های بسیار لوکس و آن چنانی است. در بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌ها، ویلا و خانه‌های بسیار وسیع با وسایل مُدرن امروزی به نمایش گذاشته می‌شود. سوارشدن کارکترهای فیلم و سریال بر ماشین‌های آخرین مُدلی که خرید آن برای عموم مردم، مقدور نیست، بسیار به چشم می‌خورد.

در حالی که می‌بینیم عموم مردم، به هیچ‌عنوان توان رسیدن به این تجملات را ندارند. حال چه به صورت خود آگاه، چه ناخودآگاه، افراد به این سمت



کشیده می‌شوند. اما آیا نمایش تجملات ایرادی دارد؟ یا داشتن زندگی لوکس همراه با تجملات، بد است؟!۱

قرآن کریم درباره بهره‌وری مؤمنین از دنیا می‌فرماید: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ... ؛ بگو: زینت‌های خدا و روزی‌های پاکیزه‌ای را که برای بندگان پدید آورد، چه کسی حرام کرده؟! بگو: این [زینت‌ها و روزی‌های پاکیزه] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند [البته اگر چه غیر مؤمنان هم با آنان در بهره‌وری شریکند، ولی] در قیامت فقط ویژه مؤمنان است...<sup>۱</sup>

در جای دیگر می‌فرماید: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ پروردگارا! به ما در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش نگاه دار<sup>۲</sup>

طبق آیات فوق، دنیا محل بهره‌وری انسان هاست و آخرت توسط همین دنیا ساخته می‌شود و انسان برای گذر از دنیا ملزوماتی را نیاز دارد مثل خانه، خودرو و امثال این‌ها که وجود آن‌ها موجب آسایش زندگی می‌گردد. اما گاهی دنیا و ملزومات دنیا به جای این که وسیله گذر انسان و ایجاد آسایش او برای کسب آخرت باشد، تبدیل به هدف می‌گردد. وقتی دنیا و ملزومات آن هدف شد، انسان عمر خود را به جای صرف در مسیر رسیدن به کمال، صرف کسب و حفظ دنیا و ما فیها می‌کند. این انسان دیگر فراموش می‌کند که هدف از خلقت او چیست و به کجای می‌رود. تمام عمر خود را صرف کسب دنیا کرده و تلاشش را با حرص به دنیا گره می‌زند.

قرآن کریم در آیاتی در این باره هشدار مهمی را بیان می‌فرماید: قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؛ بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم از جهت عمل آگاه کنم؟<sup>۳</sup>

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا؛ [آنان] کسانی هستند که کوششان در زندگی دنیا به هدر رفته [و نابود شده است] در حالی که خود می‌پندارند، خوب عمل می‌کنند<sup>۴</sup>

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا؛ آنان کسانی هستند که آیات و لقاء پروردگارش را منکر شدند، در نتیجه اعمالشان تباه و بی‌اثر شده است، پس روز قیامت میزانی برای [محاسبه اعمال] آنان برپا نمی‌کنیم.<sup>۵</sup>

ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَتَلَّوْا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا؛ این است [وضع و حال زیانکاران] به سبب آن که کفر ورزیدند و آیات من و پیامبرانم را به سُخره گرفتند.<sup>۶</sup>

آن‌چه در این آیات به چشم می‌خورد، این است که عده ای تمام تلاش خود را برای آبادانی دنیایشان به کار می‌گیرند و از هیچ زحمتی فرو گذار نمی‌کنند و از آن بدتر تفکر این افراد است که فکر می‌کنند عمل آن‌ها بسیار نیکوست، اما این مسأله زیانبارترین حالت ممکن در زندگی زودگذر دنیا توسط خداوند متعال تلقی شده است و این افراد به یک زندگی نامطلوب و رقت بار در جهان پس از مرگ، وعده داده شده‌اند.

# دسانه

شاید برای این آیات یعنی سعی در آبادی بی حد و حصر دنیا، مصادیق مختلفی وجود داشته باشد اما به طور قطع می توان گفت: کسب افسار گسیخته تجملات و پرداخت بیش از حد به زندگی مُرفه، می تواند مصداق بارز کوشش انسان در آبادانی دنیا باشد، قطعاً داشتن یک زندگی بسیار مُرفه با تجملات آن چنانی، نیاز به هزینه های بسیار دارد و این هزینه ها اگر قرار باشد مشروع باشد قطعاً نیازمند تلاش شبانه روزی است که گاهی حتی با تلاش فراوان هم کمتر به دست می آید و اگر مشروع نباشد که تکلیف آن کاملاً مشخص است، لذا رسیدن به آن چیزی که رسانه ها به نمایش می گذارند اولاً برای بسیاری از مردم امکان پذیر نیست. ثانیاً چون تصاویر بر ذهن انسان اثر می گذارد، ولع رسیدن به آن تجملاتی که به نمایش گذاشته می شود یا تبلیغ می گردد در افراد جامعه نهادینه می شود و نهادینه شدن چنین مسأله ای در اذهان عمومی سبب حرکت جامعه به سمت کسب تجملات می گردد و چون این مسأله به سختی و گاهی با کسب نامشروع به دست می آید می تواند یا موجب تفاخر باشد یا میزان بزه را در جامعه بالا ببرد. البته گاهی ممکن است افرادی هم باشند که با داشتن اموال زیاد، چه از طریق ارثیه یا با تلاش خود، بخواهند زندگی مُرفه‌ی داشته باشند حال این سؤال مطرح می شود که وقتی من مال فراوان دارم یا کسب می کنم نباید از آن بهره ای ببرم؟ برای جواب به این سؤال به یک روایت از امام صادق علیه السلام می کنیم: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ لَيَنْتَلِبُ الدُّنْيَا وَ نَجِبُ أَنْ نُؤْتَاهَا فَقَالَ: تَجِبُ أَنْ تَصْنَعَ بِهَا

مَا ذَا؟ قَالَ أَعُوذُ بِهَا عَلَى نَفْسِي وَ عِيَالِي وَ أَصِلُ بِهَا وَ أَتَصَدَّقُ بِهَا وَ أَحُجُّ وَ أَعْتَمِرُ  
فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَيْسَ هَذَا طَلَبُ الدُّنْيَا هَذَا طَلَبُ الآخِرَةِ؛ شخصی به امام  
صادق علیه السلام عرض کرد: به خدا سوگند که ما طالب دنیا بوده و برای رسیدن به  
آن علاقه داریم. حضرت فرمود: علاقه داری که با اموال دنیوی چه کنی؟ آن  
شخص گفت: از آن خود و خانواده ام استفاده کنیم و به دیگران بخشیده و  
صدقه دهیم و با آن به حج و عمره روم. امام علیه السلام فرمود: این دنیا طلبی نیست،  
بلکه آخرت طلبی است.<sup>۷</sup>

پس کسب حلال ولو زیاد اگر وسیله ای برای گذران زندگی در راه مشروع باشد  
طلب خیر آخرت است. مثال انسان در دنیا و برخورد با آن مانند کشتی و  
دریا است، کشتی روی دریا خوب است اما دریا در کشتی آن را غرق می کند،  
انسان در دنیا خوب است اما دنیا در انسان او را غرق می کند و این است که  
می تواند خراب کننده او باشد و او را از رسیدن به کمال باز دارد و پرداختن  
صرف به تجملات و تجمل گرایی، رکنی در این زمینه است که مُدام توسط  
رسانه ها تبلیغ می گردد.

ادامه دارد

# اسئله

محمدعلی غیبی

۵- کهف/۱۰۵

۶- کهف/۱۰۶

۷- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۴

۱- اعراف/ ۳۲

۲- بقره/ ۲۰۱

۳- کهف/ ۱۰۳

۴- کهف/ ۱۰۴



یکی از موارد تفکر که ما را با یاد حضرت مأنوس می کند این است که ساعاتی را برای خویش مشخص کنیم و در آن لحظات نورانی، به شیوه‌های خدمت به حضرت مهدی عج و منزلت آن بیندیشیم. امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتَهُ أَيَّامَ حَيَاتِي ؛ اگر مهدی عج را درک کنم تمام عمر را به ایشان خدمت می کنم.

## تفکر در چگونگی

## یاری امام عصر عج



حال باید در این نکته اندیشه کرد که خدمت به امام عصر علیه السلام چه موهبت بزرگی است که خود ائمه علیهم السلام حاضر بودند تمام ساعات عمر خویش را در راه خدمت به ایشان سپری نمایند. پس به طریق اولی ما بر این خدمت سزاوارتریم، چراکه حضرت، ولی نعمت و مولای ما هستند و ما ان شالله اگر قبول کنند، نوکر و خادم این درگاهیم، پس باید در این که خدمت حضرت به چه اموری حاصل می شود و سبب یاری حضرت در چیست، تفکر کرد.

آن چه مسلم است حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام برای این که انسان ها، بنده خدا شوند قیام می کنند تا صلح و عدالت را برقرار کرده و مقدمه عبودیت انسان ها فراهم شود و لذا اگر جهان از عبودیت خالی است، ما می توانیم تک چراغ خانه ی عبودیت خودمان را برای همراهی با هدف حضرت مهدی موعود علیه السلام روشن کنیم و آرام آرام اطراف خویش را هم نورانی سازیم.

در روایات، عمل به ورع و محاسن اخلاقی، شرط یاری حضرت ذکر شده است پس کسی که در فکر خدمت و یاری است به واقع، هم در عمل و هم در اعتقاد باید متدین باشد. البته خدمت به حضرت، منحصر به این مسأله نمی شود بلکه خدمت به ایشان از راه خدمت به دوستان، پیروان و شیعیان ایشان هم حاصل می شود. رفع حوائج و دفع مشکلات شیعیان در حقیقت خدمت به آن حضرت است. با تفکر در این مسأله می توان راه های خدمت به حضرت و اسباب یاری ایشان را پیدا کرد. به عنوان مثال در باب فرهنگی، خدمت به حضرت، می تواند با برپایی مجالس معرفتی و محبتی درباره ایشان، تألیف و نشر کتب مهدوی، کمک به ساخت حوزه های علمیه، خرید کتب مهدوی در مقاطع مختلف و اهدا به بستگان و دوستان و ... باشد. اگر بخواهیم بزرگ

شویم باید به بزرگان خدمت کنیم و چه شخصی بزرگوارتر از امام زمان علیه السلام که ائمه معصومین علیهم السلام آرزوی خدمت کردن به ایشان را داشتند، پس باید اسباب بزرگی خویش را فراهم کنیم.

تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف  
مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی

مرحوم آقای دولابی می فرمودند: زن درخانه به نیت خدمت به امیرالمؤمنین علیه السلام به شوهرش خدمت کند و مرد به نیت خدمت به حضرت زهرا علیها السلام به زنش خدمت کند.....

همین نیت درکارهای مهدوی، می تواند این مهم را حاصل آورد. لذا اگر در برآوردن حاجات مؤمنین از قبیل قرض دادن، کمک مالی کردن، گرو گذاشتن آبرو، تهیه جهیزیه و ... نیت ما خدمت به حضرت و خوشحالی ایشان باشد، حتمًا این امر محقق می شود.

شخصی از اهالی شهرری چنین نقل می کند: مبلغ سنگینی به عنوان مالیات بدهکار بودم که اگر آن را می پرداختم فقیر و مستمند می شدم و از دستگاه حکومت بیمناک بودم که مبادا زندانی شوم یا آسیبی به من رسد. بالاخره تصمیم گرفتم که به سفر حج بروم و به خدا پناه ببرم و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام چاره جویی کنم. هنگامی که به محضر آن حضرت شرفیاب شدم و جریان را به عرض رساندم، امام علیه السلام به فرماندارچنین نوشتند:

بسم الله الرحمن الرحيم، بدان که درحقیقت خداوند زیر عرش خویش سایبان رحمتی دارد که در آن جای نمی گیرد مگر کسی که به برادرخود نیکی نمایند و اندوهی از او بردارد یا بر دل او سرور و خرسندی واردسازد و این

برادر توست. والسلام

این شخص به شهر خود بازگشت و به منزل فرماندار رفت. به فرماندار خبر دادند که شخصی از طرف امام موسی کاظم علیه السلام پیامی برای تو آورده است. سراسیمه به استقبال آن شخص آمد و او را با احترام به داخل خانه برد. نامه را از او گرفت، بوسید و خواند. سپس هرچه داشت به طور مساوی با او تقسیم کرد، آن گاه گفت: دفتر مالیات را بیاورید، هنگامی که دفتر را آوردند، تمام مالیات را از آن شخص برداشت....

آن شخص می گوید: به منظور جبران محبت های فرماندار تصمیم گرفتم سفر دیگری به حج بروم تا در این موسم برایش دعا کنم. وقتی به خدمت امام موسی بن جعفر علیه السلام شرفیاب شده و جریان را نقل کردم آن حضرت فرمودند: به خدا قسم [او] سرور و خوشحالی را بر ما وارد ساخت و امیرمؤمنان علیه السلام را خوشحال کرد و جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله را خرسند نمود و البته خداوند را مسرور ساخت.<sup>۲</sup>  
خوشحالی مؤمن و یاری او، این اثرات مثبت را در خوشحال کردن امام زمان علیه السلام دارد. پس باید در چگونگی یاری رساندن و خدمت به قطب عالم امکان علیه السلام اندیشه کرد.<sup>۳</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۳، به نقل از چگونگی امام زمان علیه السلام را یاری کنیم، ص ۷۴

۳- راهکارهای عملی یاد حضرت مهدی علیه السلام، حسن محمودی با اندکی دخل و تصرف

**تفکر در چگونگی یاری امام عصر علیه السلام**

حملات وحشیانه و گسترده نظامیان ارتش اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع غزه و منطقه رفح در جنوب غزه، تاکنون منجر به شهادت و مجروح شدن هزاران فلسطینی بی‌گناه شده و این جنایات کم سابقه، به گونه‌ای بوده که زمینه را برای اعتراضات گسترده در آمریکا و اروپا به ویژه در دانشگاه‌های آن‌ها ایجاد کرده است.

غرب به ویژه آمریکا در سال‌های اخیر به مدد دستاوردهای تکنولوژیکی از یک سو و تسلط بر ابزار رسانه از سوی دیگر توانسته بود، خود را گزینه نهایی حقیقت، برای جهانیان به تصویر بکشد. در این تصویرسازی‌ها، کشورهای اروپایی و به‌ویژه آمریکا به منزله کشورهای تصویر می‌شدند که در آن‌ها

## وجدان‌ها بیدار

حقوق بشر به عالی‌ترین وجه مراعات می‌شود، زنان و مطالبات آن‌ها ارج نهاده می‌شود، صدای مخالف تحمل شده، منزلت اهل علم اعم از استادان و دانشجویان محترم شمرده می‌شود و ....

یورش نیروهای پلیس به دانشگاه‌ها در جریان اعتراضات دانشجویی اخیر به‌ویژه در آمریکا، نشان داد برخلاف تصویرسازی‌ها، نه حریم استاد و دانشجو محترم شمرده می‌شود، نه صدای مخالف تحمل می‌گردد و نه به طور کلی، حقوق بشر محترم شمرده می‌شود.

غرب در ماجرای جنگ غزه از منظر اخلاقی رفوزه شد. حرکت دانشجویان آمریکا را شاید بتوان جبران اندکی نسبت به این رسوایی تاریخی دانست. حرکتی که نشان می‌دهد نسل‌های جدید، آمادگی و ظرفیت بیشتری برای رها شدن از انگاره‌های ذهنی و کلیشه‌ای پیشینیان خود دارند و مقهور دستگاه عظیم تبلیغاتی غرب و سحر رسانه‌ای آن نمی‌شوند.

این همان چیزی است که شواهد آن را یک دهه پیش رهبر انقلاب دیدند و در نامه‌ای خطاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی نوشتند: من شما جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم، بلکه به این سبب که آینده‌ی ملت و سرزمینتان را در دستان شما می‌بینم و نیز حس حقیقت‌جویی را در قلب‌های شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم. هم چنین در این نوشته به سیاستمداران و دولت مردان شما خطاب نمی‌کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.<sup>۱</sup>

هم چنین ایشان در نامه ای که اخیراً به دانشجویان آمریکایی نوشتند نیز می‌فرمایند: شما اکنون در طرف درست تاریخ - که در حال خوردن است



- ایستاده‌اید. شما اکنون بخشی از جبهه مقاومت را تشکیل داده‌اید و در زیر فشار بی‌رحمانه دولستان- که آشکارا، از رژیم غاصب و بی‌رحم صهیونیست دفاع می‌کند- مبارزه‌ای شرافتمندانه را آغاز کرده‌اید...<sup>۲</sup>

اما دولت آمریکا و بایدن برای فرار از جنایاتی که به نام آن‌ها نوشته شده، سعی دارند تا با یهودی ستیز خواندن اعتراضات دانشجویان، آن را سرکوب کنند. چنان که تحلیلگر انگلیسی دیوید هرست می‌گوید: «لابی‌های حامی اسرائیل به سیاستمدارانی که از فلسطین حمایت کنند برچسب یهودستیزی می‌زنند.» بر چسب زدن علیه دانشجویان مخالف جنگ علیه غزه در دانشگاه‌های آمریکا، الهام گرفته از طرح مشابهی به نام «پروژه پروانه» است که توسط یک شرکت صهیونیستی در سال ۲۰۱۷ برای مقابله با فعالان حامی فلسطین در آمریکا و حامیان تحریم رژیم اسرائیل تهیه شد. در این شرکت صهیونیستی مقامات سابق موساد کار می‌کردند. طرح «بدنام کردن و افترا زدن» برای اولین بار در نوامبر ۲۰۲۳ از کابینه رژیم اسرائیل علیه دانشجویان دانشگاه‌ها در آمریکا

پرده برداشت و روزنامه ی‌دی‌عوت آ‌ارونوت در آن زمان این طرح را در قالب آن چه آن را مقابل‌ه با ی‌هودی‌ستیزی خواند، توجیه کرد. این روزنامه ص‌هیونیستی نوشت: این طرح، استراتژی اسرائیل علیه ی‌هودی‌ستیزی در دانشگاه‌های آمریکا است. جزئیات این طرح نشان می‌دهد که رژیم اسرائیل، ترس زیادی از جنبش دانشگاهی دارد زیرا آن را تهدیدی برای وجهه خود در خارج از سرزمین‌های اشغالی به ویژه در آمریکا می‌داند. این طرح بر انتشار اسامی دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آمریکا که با نوار غزه همبستگی می‌کنند و بدنام کردن آن‌ها با هدف تأثیر منفی بر شانس این دانشجویان برای کسب فرصت‌های شغلی تأکید دارد.

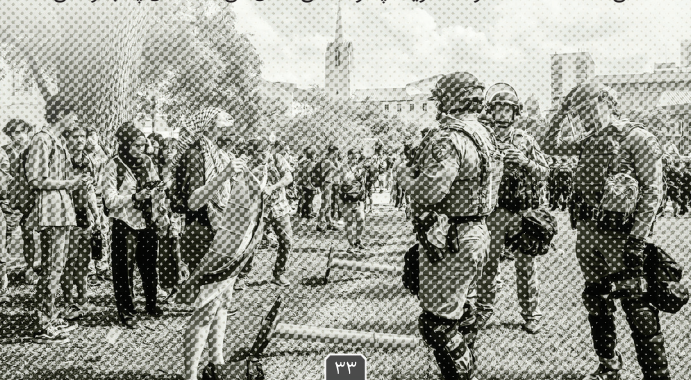
پس محور حقوق بشر در آمریکا با منافع و امنیت رژیم ص‌هیونیستی گره خورده است؛ زیرا در بُعد نظامی، سلاح‌های آمریکایی در خدمت اسرائیل است و در بُعد مالی، حمایت‌های چند ده میلیارد دلاری از این رژیم جریان دارد و در حوزه سرمایه‌گذاری، نهادهای دولتی و خصوصی از جمله دانشگاه‌ها در اسرائیل با شرکت‌های اسرائیلی، در سطح بالایی قراردادهای سرمایه‌گذاری دارند که همگی نشان‌دهنده لابی قوی ص‌هیونیست‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلان آمریکا است.

بنابراین حقوق بشر تا جایی محترم است که جلوی جنایات رژیم ص‌هیونیستی امثال نتانیاهو و احزاب تندرو در اسرائیل را نگیرد. از این رو است که ژست حقوق بشری آمریکا و ادعای آزادی و دموکراسی او در این صحنه‌ها رنگ می‌بازد و دست آنان را بیش از پیش، رو می‌کند. ظاهراً در این ماجرا، حقوق بشر تا جایی رعایت می‌شود که خط قرمزهای آمریکا - یعنی امنیت اسرائیل - به خطر نیفتد. بی‌دلیل نیست آن جا که تمامی اعضای شورای امنیت به نفع فلسطین و غزه



رای می‌دهند، آمریکا از حق وتوی خود استفاده می‌کند. پس تظاهرات در دانشگاه‌های آمریکا مجموعه‌ای از خواسته‌ها را ارائه می‌کند که با توقف نسل‌کشی در غزه آغاز می‌شود، اما هدف فقط همین نیست، بلکه معترضان خواستار خروج سرمایه‌گذاری‌ها از اسرائیل و قطع ارتباط میان موسسات آمریکایی و اسرائیلی هستند. دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های آمریکا از دولت خود می‌خواهند که درآمدهای کشور را صرف حمایت از رژیم جنایتکار صهیونیستی نکنند، سلاح و بمب در اختیار این رژیم قرار ندهد و از نسل‌کشی مردم غزه جلوگیری کند.

حال فرض کنید اگر وضعیتی که اکنون غزه در آن قرار دارد، در جای دیگری از جهان رخ می‌داد و همین جنبش اعتراضی که امروز در دانشگاه‌های آمریکا به راه افتاده، در کشور دیگری اتفاق می‌افتاد و معترضان این گونه سرکوب می‌شدند، مقامات دولت آمریکا چه واکنشی نشان می‌دادند؟ آن چه به راحتی



می‌توان درباره واکنش مقامات آمریکایی در این خصوص حدس زد این است که اگر این جنایات وحشیانه که در غزه اتفاق می‌افتد و هم چنین این سرکوب شدید علیه معترضان که در دانشگاه‌های آمریکا شاهد آن هستیم، در هرکجای دیگر از جهان رخ می‌داد، باید شاهد بیانیه‌های شدید از سوی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در محکومیت این اقدامات و همچنین مقالات شدیدالحن در مطبوعات آمریکا و فریاد آن‌ها در حمایت از دموکراسی بودیم.

جنبش دانشجویی آمریکا جنبش وجدان‌های بیدار مردم سراسر گیتی، علیه رژیم صهیونیستی و حامیان آمریکایی-اروپایی آنان است.

به هر حال این جنبش واکنشی در اعلام موضع دانشجویان به مهمترین مساله امروز جهان یعنی توقف ماشین کشتار جمعی رژیم اسرائیل است و با وجود انواع کنترل‌های دولتی و سرکوب اعتراضات، این جنبش به اروپا و آسیای جنوب شرقی هم رسیده است. این از موفقیت‌های جنبش اخیر تا امروز است که پیام مظلومیت فلسطین و مقاومت جاودانه مردم غزه را به دنیا رساند تا جایی که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: من می‌خواهم به شما اطمینان دهم که امروز وضعیت در حال تغییر است. سرنوشت دیگری در انتظار منطقه حساس غرب آسیا است. بسیاری از وجدان‌ها در مقیاس جهانی بیدار شده و حقیقت در حال آشکار شدن است. جبهه مقاومت هم نیرومند شده و نیرومندتر خواهد شد. تاریخ هم در حال ورق خوردن است.<sup>۳</sup>

۱- پیام مقام معظم رهبری به به جوانان اروپا و آمریکای شمالی ۹۳/۱۱/۱  
۲- پیام مقام معظم رهبری به دانشجویان آیالات متحده آمریکا ۱۴۰۳/۳/۵  
۳- همان

## نیش

با همان لهجه‌ی کابلی، در حالی که نمی‌گذاشت کسی به قبور ائمه بقیع نزدیک شود، جواب سؤال ما را داد و گفت: چرا وجود ندارد؟! هم از نظر ما و هم شما، لقب منجی جهانی، مهدی علیه السلام است. هر دو گروه عقیده داریم ظهور مهدی علیه السلام امری قطعی است. حکومتش را فراگیر می‌دانیم. نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدای او به مهدی علیه السلام را قبول داریم و چند مورد دیگر را هم برایمان شمرد؛ اما بعدش گفت: مگر می‌شود یک انسان، هزار سال عمر کند و شروع کرد به تخریب عقاید شیعه!

حرف روحانی کاروان درست از کار درآمد: وهابی‌ها، اول اعتماد را جلب می‌کنند بعد نیش شان را می‌زنند!

## عترت

مطالعه ریاضی خسته اش کرده بود. «سُنن» هم روی میز جلویی چشمک می‌زد. می‌دانست «سُنن ابو داوود» از کتاب‌های مهم اهل سنت است. دل به دریا زد و بازش کرد. حدیث ۳۷۳۵؛ ام سلمه<sup>۱</sup> شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی علیه السلام از عترت من از نسل فاطمه علیها السلام است.»

حالا فقط می‌گفت: فاطمه، فاطمه، فاطمه...

## انصاف

شنیده بودم اهل سنت ولادت امام مهدی علیه السلام را قبول ندارند؛ بلکه معتقدند او در آخر الزمان به دنیا می آید. از گنبد که برمی گشتم، طلبه ای ترکمن با چهره ای بشاش، درست آمد کنارم نشست. نزدیکی های گرگان دیگر با هم رفیق شده بودیم. شنیده ام را مطرح کردم. آخوند<sup>۲</sup> چپرلی گفت: ابن جوزی حنفی در کتاب «تذکره الخواص» و محمد بن یوسف شافعی در کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» و برخی دیگر از علمای ما ولادت حضرت را پذیرفته اند، اما اکثر آنان قبول ندارند. بعد با تأملی معنادار ادامه داد: اگر یکی از دلائل برای ولادت، کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام باشد، انصافاً نمی شود ساده از کنار آن گذشت! دم انصافش گرم!

## عمر جاویدان

وقتی خواند؛ اگر او (یونس علیه السلام) در شکم ماهی تسبیح نمی گفت، تا روز رستاخیز در شکم ماهی می ماند<sup>۳</sup> طبق این آیه ی شریفه، عمر بسیار طولانی (از عصر یونس علیه السلام تا روز رستاخیز) که در اصطلاح زیست شناسان، عمر جاویدان نامیده می شود، برای انسان و حیوان (ماهی) از نظر قرآن امکان پذیر است. بهت زده می گفت: هزار نکته ی باریک ترزمو اینجاست! امام زمان علیه السلام که عمری ندارد!

## م ع ا د

کلاس شروع شده بود که معلم پرسید: بچه ها، انتظار فرج یعنی چه؟ هر کس چیزی می گفت تا نوبت به من رسید. گفتم: آقا اجازه، یعنی معاد. معلم گفت: معاد؟! توضیح بده بینیم منظورت چیست! رفتم پای تخته و این چنین نوشتم: انتظار فرج، یعنی: معرفت امام معصوم (علیه السلام)، عشق به عدالت، امید به آینده ای روشن، داشتن روحیه تعهد و مسئولیت پذیری.

## شناخت

همراه استاد، داخل کوچه شدیم. استاد هنوز داشت جواب سؤال را که از وظایف منتظران پرسیده بودم، می داد. چندتا بچه با سروصدا بازی می کردند و کوچه را روی سرشان گذاشته بودند. ناگهان صدای شکستن چیزی، همه ی ما را ساکت کرد و کوچه تاریک شد. یکی از بچه ها، با سنگ، چراغ بالای تیر برق را شکسته بود. استاد مکتی کرد و گفت: می دانی چرا چراغ را شکست؟ و ادامه داد: چون مرئی و راهنمای خوبی نداشت. کسانی هم که امام خود را شناسند، راه درست را نمی روند. نور را از بین می برند و زندگی و مرگ جاهلی و ظلمانی ای خواهند داشت.

۱- همسر پیامبر

۲- ترکمن ها به علمای دینی خود «آخوند» می گویند.

۳- صافات/۱۴۴

در شماره قبل نکاتی در مورد معنا شناسی گرایش‌های قومی یا ناسیونالیست و میهن پرستی یا شووینیسم مطرح شد. اما این تفکرات در بشر، دارای تاریخچه‌ای مفصل است که پرداختن به آن در این مختصر نمی‌گنجد لذا به صورت اجمالی بدان اشاره می‌گردد. شاید از ابتدای تاریخ نتوان زمان مدونی در این زمینه ارائه نمود. علت آن هم، نبود الواح و متون خاص در این زمینه از ابتدای سکناي انسان، بر این کره خاکی است. البته نزاع، بر سر مالکیت زمین و یورش اقوام برای استیلا بر دیگران، از ابتدای پیدایش اقوام وجود داشته، منتها نمی‌توان این مسأله را به عنوان گرایش‌های تام قومی و قبیله‌ای فرض نمود، هر چند که بی‌تأثیر هم نبوده، اما به مرور با اختراع خط و به وجود آمدن لوح نگاشته‌ها و متون تاریخی، آن‌چه از برخی متون و رفتارنگاری اقوام مختلف به جا مانده، می‌توان این مسأله را از تاریخ باستان در آورد و نحوه شکل‌گیری اقوامی که به صورت مستقل چنین گرایش‌های را از



خود نشان دادند را بیان نمود.

البته در تقسیم بندی این گرایشات قومی و حتی تبعیض نژادی می توان آن را به دو شکل تاریخی ارائه نمود؛ صورت اول آن چه در تاریخ باستان اتفاق افتاده و صورت دوم اتفاقاتی است که در قرون معاصر به عنوان ناسیونالیست، شووینیسیم و تبعیض نژادی ترتیب یافته است.

در تاریخ باستان ما شاهد ظهور و بروز این نوع تفکر هستیم که به برخی از آن ها اشاره می شود:

### ۱- یونانی ها

تاریخ یونان باستان، پر از اتفاقات و حوادث گوناگون، تاخت و تازها و از هم گسستگی بسیار زیاد بوده است که باعث شده دولت شهرهای متعددی در آن سرزمین پدید آید. هر شهر به مثابه یک کشور دیده می شد و گاهی مورد تاخت و تاز دیگری قرار می گرفت یا در وضع قوانین، اختلافاتی بین آن ها وجود داشت. این ساختار سیاسی دارای ۶ رده اصلی و ۴۵ زیر رده بود. مثلاً آتن باستان یا آرگوس باستان در رده های اصلی قرار می گرفتند و هر کدام زیر رده هایی داشتند. اما پس از اختلافات و تاخت و تازهای بسیار در قرون متمادی، یونانی ها بر مبنای ملیت به یک اتحاد رسیدند که رکن آن قبول خدایان مشترک، زبان هلنی و آداب و رسوم مشترک زیر مجموعه مرکزیت آتن برای همه دولت شهرها بود. از این جا قوانین شهروندی، رنگ و بوی تازه ای به خود گرفت و ملیت یونانی، اصل متن حکمرانی گشت. این مساله تا جایی اهمیت داشت که برای آن ها مردم جهان به دو قسمت یونانی و بربر تقسیم شدند. از دیگر

مسائل مهم این بود که یکی از مجازات‌های آن زمان، حذف حقوق شهروندی بود. این بدان معنا بود که فرد، دیگر یونانی محسوب نمی‌شد و این خود یک مجازات سنگین و اهانت به شخصیت فرد بود. لذا می‌توان تا حدی شروع دیدگاه‌های قوم‌گرایانه و تبعیض نژادی را از سرزمین یونان دانست.

## ۲- ژاپنی‌ها

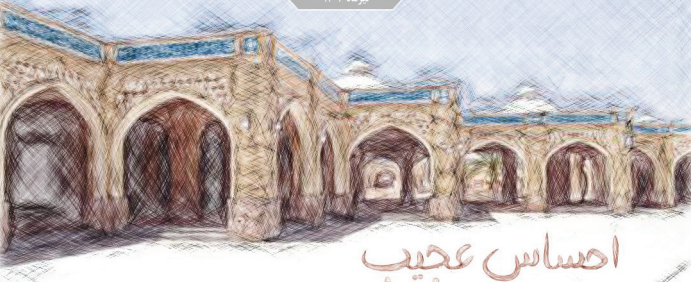
آئین تائو که به نوعی دین بومی ژاپنی‌ها می‌باشد، به شدت ترویج دهنده تبعیض نژادی و میهن پرستی ژاپنی‌ها است. طبق آئین تائو کشور ژاپن، مهمترین سرزمین و نژاد ژاپنی، برترین نژاد جهان محسوب می‌شود. این تفکر تا جایی اهمیت دارد که خودکشی برای میهن که به عمل هاراگیری معروف است، مقدس تلقی می‌گردد. اگر وجود یک ژاپنی برای کشور مضر یا بی فایده باشد، می‌تواند با کشتن خود، وفاداریش را به میهنش اثبات نماید، لذا این عمل بسیار مقدس محسوب می‌شود.

رکن دیگر این گرایش‌ها در ژاپن مقام امپراتور است که چون بر سرزمین ژاپن حکمرانی می‌کرده، مقام الوهیت داشته و حتی مورد پرستش قرار می‌گرفته است.

به هر حال تفکرات ناسیونالیستی در ژاپن از زمان‌های کهن وجود داشته و این ریشه را در آن سر دنیا، در میان مردمان شرق آسیا می‌توان دید.

ادامه دارد  
محمدعلی غیبی





## احساس عجیب

در ایام تحصیل علوم دینی و فقه اهل بیت علیهم السلام در نجف اشرف، شوق زیادی جهت دیدار جمال مولایمان امام عصر علیه السلام داشتم. با خود عهد کردم چهل شب چهارشنبه، پیاده به مسجد سهله بروم، به این نیت که جمال آقا امام زمان علیه السلام را زیارت کنم و به این فوز عظیم نائل شوم.

۳۵-۳۶ شب چهارشنبه رفته بودم که تصادفاً در شب چهارشنبه، رفتنم از نجف به تاخیر افتاد چون هوا ابری و بارانی بود.

نزدیک شب، وحشت و ترس وجود مرا مخصوصاً از زیادی راهزنان فرا گرفت، ناگهان صدای پایی را از پشت سر شنیدم که موجب ترس و وحشتم گردید. به عقب برگشتم، سید عربی را با لباس اهل بادیه دیدم. نزدیک من آمد و با زبان فصیح گفت: سید! سلام علیکم.

ترس و وحشت، به کلی از وجودم رفت و اطمینان و سکون نفس پیدا کردم. برایم عجیب بود که چگونه این شخص در تاریکی شدید، متوجه سیادت من شد اما در آن حال از این مطلب غافل بودم. از من پرسیدند: قصد رفتن به کجا داری؟

گفتم: مسجد سهله.

فرمودند: به چه جهت؟

گفتم: به قصد تشریف و زیارت وجود مقدس ولی عصر علیه السلام

مقداری که رفتیم به مسجد زید بن صوحان که مسجد کوچکی نزدیک مسجد سهله است، رسیدیم. داخل مسجد شده و نماز خواندیم و بعد ایشان دعایی خواندند که مثل آن بود که دیوار و سنگ‌ها با ایشان آن دعا را می‌خواندند، دچار احساس عجیبی شدم که از وصف آن عاجزم.

بعد از دعا فرمودند: سید تو گرسنه ای، چه خوب است شام بخوریم.

پس سفره ای که زیر عبا داشتند را بیرون آوردند، در آن سه قرص نان و دو یا سه خیار سبز تازه بود و آن وقت چله زمستان و سرمای عجیبی بود و من متوجه به این معنا نشدم که این آقا این خیار سبز تازه را در این فصل از کجا آورده؟ طبق دستور شام خوردم. سپس فرمودند: بلند شو تا به مسجد سهله برویم.

داخل مسجد شدیم. ایشان مشغول اعمال وارده در مقامات شدند و من هم به متابعت از ایشان، انجام وظیفه می‌کردم و بدون اختیار، نماز مغرب و عشا را به ایشان اقتدا کردم و متوجه نبودم که این آقا کیست؟ بعد از آن که اعمال تمام شد



آن بزرگوار فرمود: ای سید آیا مثل دیگران بعد از اعمال مسجد سهله، به مسجد کوفه می‌روی یا در همین جا می‌مانی؟

گفتم: می‌مانم و سپس در وسط مسجد در مقام امام صادق (علیه السلام) نشستیم.

به سید گفتم: آیا چای یا قهوه یا دخانیات میل دارید آماده کنم؟

فرمودند: این امور از فضول زندگی است و ما از این زوائد دوریم.

این کلام در اعماق وجودم اثر گذاشت به نحوی که هرگاه یادم می‌آید ارکان وجودم می‌لرزد. به هر حال گفتگوی ما نزدیک دو ساعت طول کشید و در این مدت مطالبی رد و بدل شد که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم:

- در رابطه با استخاره سخن به میان آمد. ایشان فرمود: ای سید با تسبیح به چه

نحو استخاره می‌کنی؟ گفتم: سه مرتبه صلوات می‌فرستم و سه مرتبه می‌گویم:

«اَسْتَخِيرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ» پس تسبیح را گرفته می‌شمارم، اگر دو تا

ماند، بد است و اگر یکی ماند، خوب است.

فرمود: برای این استخاره، باقیمانده ای است که به شما نرسیده و آن این است که

هرگاه یکی باقی ماند، فوراً حکم به خوبی

دوباره بر ترک عمل، استخاره کنید اگر

اول خوب است اما اگر یکی آمد،

به حسب قواعد علمیه می‌بایست

تسلیم و متقاعد شدم و در عین حال

زوج آمد، کشف می‌شود استخاره

استخاره اول میانه است.

دلیل بخواهم اما به مجرد این قول

متوجه نبودم این آقا کیست.





- از جمله مطالب دیگر تاکید بر تلاوت و قرائت این

سوره‌ها بعد از نمازهای واجب بود. بعد از نماز صبح سوره یاسین؛ بعد از نماز ظهر سوره عم؛ بعد از نماز عصر سوره نوح؛ بعد از نماز مغرب سوره واقعه و بعد از نماز عشاء سوره مُلک.

- تأکید بر خواندن دو رکعت نماز بین نماز مغرب و عشا که در رکعت اول بعد از حمد، هر سوره ای خواستی می‌خوانی و در رکعت دوم بعد از حمد سوره واقعه را می‌خوانی و فرمودند: کفایت می‌کند این، از خواندن سوره واقعه بعد از نماز مغرب.

- تأکید بر خواندن این دعا بعد از نمازهای پنجگانه: «اللَّهُمَّ سَرِّحْنِي عَنِ الْهُمُومِ وَ الْغُمُومِ وَ وَحْشَةِ الصَّدْرِ وَ وَسْوَاسَةِ الشَّيْطَانِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

- تأکید بر خواندن این دعا بعد از ذکر رکوع در نمازهای یومیه خصوصاً رکعت آخر: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَرَحَّمْ عَلَيَّ عَجْزَنَا وَ أَعِثْنَا بِحَقِّهِمْ»  
- تأکید بر خواندن قرآن و هدیه کردن ثواب آن به شیعیانی که وارثی ندارند یا دارند و لکن یادی از آن‌ها نمی‌کنند.

- تأکید بر زیارت سید الشهدا علیه السلام

- دعا در حق من که خداوند تو را از خدمتگزاران شرع قرار دهد.

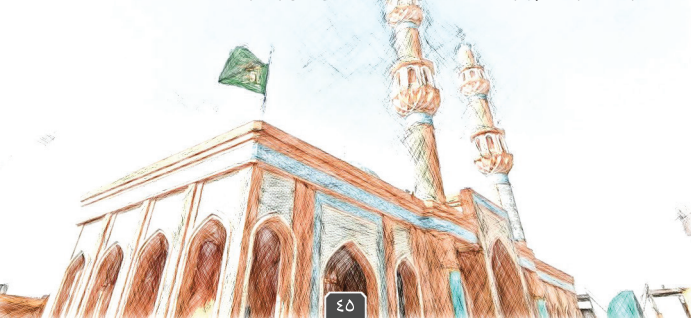
- از عاقبت کارم پرسیدم فرمودند: عاقبت تو خیر و سعیت مشکور و روسفیدی.

از رضایت پدر و مادر و اساتید و ذوی الحقوق پرسیدم فرمودند: تمام آن‌ها از تو راضی‌اند و درباره‌ات دعا می‌کنند.  
و در آخر استدعای دعا کردم برای خودم درموفق بودن برای تألیف و تصنیف و ایشان دعا فرمودند و مطالب دیگر.

به خاطر حاجتی خواستم از مسجد بیرون روم، نزدیک حوض آمدم که در وسط راه، قبل از خارج شدن از مسجد قرار داشت که ناگاه به ذهنم رسید چه شبی بود و این سید عرب کیست که این همه با فضیلت است؟ شاید همان مقصود و معشوقم باشد تا به ذهنم این معنا خطور کرد، مُضطرب برگشتم و آن آقا را ندیدم و کسی هم در مسجد نبود. یقین پیدا کردم که آقا را زیارت کردم در حالی که غافل بودم. هم چون دیوانگان اطراف مسجد راه می‌رفتم و گریه می‌کردم تا صبح شد.

منابع:

کتاب شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، احمد قاضی زاهدی از کتاب قبسات در شرح زندگی مرحوم آیت الله العظمی نجفی مرعشی علیه السلام با اندکی دخل و تصرف  
کتاب تشرفات مرعشیه (ملاقات‌های حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی با امام زمان علیه السلام در قالب چهار داستان)، حسین صبوری با اندکی دخل و تصرف





مراسم غبارروبی ضریح مطهر  
حضرت احمد بن موسی علیه السلام با حضور  
استاد حدائق به همراه جمعی از طلاب و مدیران  
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس



برگزاری اردوی آموزشی ویژه دانش پژوهان  
مرکز تخصصی مهدویت شیراز  
به شهر مقدس قم و اصفهان

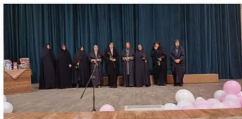


برگزاری آئین بزرگداشت سالروز رحلت  
حضرت امام علیه السلام و قیام ۱۵ خرداد با سخنرانی  
حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد حسین  
حدائق قائم مقام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس-اداره کل آموزش و پرورش





برگزاری مراسم دعای ندبه  
در روز شهادت امام جواد علیه السلام - مهدیه بزرگ  
شیراز



برگزاری جشن پایان سال دبستان  
و پیش دبستانی وارثین  
وابسته به بنیاد مهدویت استان فارس



برگزاری مراسم دعای ندبه با سخنرانی  
حجت السلام والمسلمین حسینی قمی  
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج  
شهرستان فسا



برگزاری مراسم دعای ندبه با مشارکت  
فعالان فرهنگی و بنیاد فرهنگی  
حضرت مهدی موعود (عج) - شهرستان صفاشهر